



کارکرد پیشوندها و پیش‌واژک‌های فعلی در فرهنگنامه قرآنی

مریم ایزدی^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، اصفهان، ایران

قربانعلی ابراهیمی^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، اصفهان، ایران

عظامحمد رادمش^۳

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، اصفهان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶

چکیده

پیشینه کاربرد فعل با پیشوند و پیش‌واژک در زبان‌های ایرانی به دوره باستان می‌رسد. برخی از این پیشوندها و پیش‌واژک‌های فعلی در فارسی میانه متروک شده و برخی از آنها به صورت جزئی مُرده در ساختمان فعل باقی مانده‌اند. فارسی دری نیز این پیشوندها و پیش‌واژک‌ها را از فارسی میانه وام گرفته است. در فرهنگنامه قرآنی، فرهنگ برابره‌های فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخه خطی کهن، تعداد زیادی از فعل‌ها با پیشوند و پیش‌واژک به کار رفته‌اند. فراوانی فعل‌های فارسی در فرهنگنامه قرآنی، بویژه فعل‌های پیشوندی، بیانگر توانایی بالای زبان فارسی در ساخت واژه است. بررسی پیشوندها و پیش‌واژک‌های فعلی برای آشنایی با شیوه‌های واژه‌سازی در زبان فارسی و نمایاندن ظرفیت و چگونگی ساخت فعل در این زبان ضرورت دارد و به شناخت روند تکامل افعال ساده به فعل‌های ترکیبی و پیوندی از دوره فارسی باستان تا دوره مورد مطالعه این پژوهش، فارسی دری، کمک می‌کند. این جستار به شیوه تحلیلی - توصیفی و با مطالعه کتابخانه‌ای، با بررسی برابره‌های فعلی واژگان قرآن کریم در فرهنگنامه قرآنی، نخست به استخراج پیشوندها و پیش‌واژک‌های فعلی این دوره از رشد و تکوین زبان فارسی می‌پردازد، سپس با آوردن نمونه، انواع آنها را دسته‌بندی نموده و ساختار، کاربرد، معنی و جامعه آماری این نوع از وندهای اشتقاقی و تصریفی را تجزیه و تحلیل می‌کند. هدف از این پژوهش، بازنمایی سیر تحول و کارکرد پیشوندها و پیش‌واژک‌های فعلی و ارائه بسامد افعال کهن مهجور، کم کاربرد و پویای پیشوندی در زبان فارسی است. نتایج به دست آمده، غلبه فعل‌های پیشوندی را بر ساخت‌های دیگر فعل در متن اصیل فرهنگنامه قرآنی نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: پیشوند، پیش‌واژک، فعل، فرهنگنامه قرآنی، فارسی دری.

¹ Email: maryamizadi1626@gmail.com

² Email: Ghorbanali.Ebrahimi333@gmail.com

(نویسنده مسئول)

³ Email: ata.radmanesh1398@gmail.com





Functions of verbal prefixes and morphemes in the Qur'anic Encyclopedia

Maryam Izadi¹

PhD candidate, Azad University Najafabad Branch, Isfahan, Iran

Ghorbanali Ebrahimi²

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Azad University Najafabad Branch, Isfahan, Iran

AttaMuhammad Raadmanesh³

Professor of Persian Language and Literature, Azad University Najafabad Branch, Isfahan, Iran

Received: 03/07/2020 | Accepted: 06/09/2020

Abstract

The background of using prefix and morpheme in the Persian language can be traced to the ancient Persian. As the middle Persian language progressed through centuries, some of these prefixes and morphemes have been left out and some were kept as a dead and unnecessary part of some verbs. Some of these prefixes and morphemes are being used in the Dari Persian. In the Qur'anic Encyclopedia, Dictionary of Persian Equivalent of Koran Based on 142 Ancient Manuscripts, we can see the usage of these prefixes and morphemes. The frequency of Persian verbs in Qur'anic Encyclopedia, especially prefix verbs, indicates high capacity of this language in word making. The study of the current prefixes and morphemes helps us to be familiarized with word-making methods in Persian, to show the capacity of making verbs in this language, and to identify the evolution of simple verbs into combined and conjunctive from the ancient Persian to the current Dari Persian. Using a descriptive analytic method, as well as library research, this study explores the current comparisons of the verbs of the Holy Quran in the Qur'anic Encyclopedia. It first deals with derivation of the current prefixes and morphemes of this period through the development of Persian language. Then, by showing the samples, it tries to categorize their types, and analyzes the structure, application, meaning and statistical population of this type of derivative and inflectional affixes. The aim of this study is to explore the evolution and function of current prefixes and morphemes. It also attempts to present the frequency of obsolete, ancient, rare and dynamic prefix verbs in Persian. The results show the dominance of prefix verbs over other verb constructions in the original text of the Qur'anic Encyclopedia.

Keywords: Prefix, Morpheme, Verb, Quranic Encyclopedia, Dari Persian.

¹ Email: maryamizadi1626@gmail.com

² Email: Ghorbanali.Ebrahimi333@gmail.com (Corresponding Author)

³ Email: ata.radmanesh1398@gmail.com



۱. مقدمه

پس از ظهور اسلام و گسترش آن در ایران، نیاز به ارتباط با زبان قرآن کریم و احکام آن، بنیان‌های ترجمه و تفسیر این کتاب را پی‌ریزی کرد. اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، نخستین دوره ترجمه و تفسیر قرآن است. تفاسیر و ترجمه‌های قرآن، در زنده کردن و رونق زبان پارسی و گسترش آن در حوزه‌های جغرافیایی ایران نقشی بسزا بر عهده دارند. مترجمان وظیفه داشتند برای واژگان قرآن برابره‌های فارسی بیابند؛ همچنین خود را مقید به حفظ ساختار قرآن می‌دانستند. ترجمه قرآن‌های کهن موجب پدید آمدن فرهنگ‌های قرآنی همچون: «لسان‌التنزیل»، «قاموس قرآن» و «فرهنگنامه قرآنی» برای برابره‌های فارسی واژگان قرآن شد.

تدوین فرهنگنامه قرآنی در سال ۱۳۴۸ به کوشش احمدعلی رجایی و گروهی از همکاران و دانشجویان او با اندیشه گردآوری نسخه‌های خطی ترجمه‌های کهن قرآن و نگهداری آنها در کتابخانه آستان قدس رضوی آغاز شد؛ سپس محمدجعفر یاحقی و چند تن از همکاران او کار تدوین فرهنگنامه را ادامه دادند و به گردآوری برابره‌های فارسی واژگان قرآن‌های مترجم پرداختند.

از آنجا که ترجمه هر یک از مترجمان بر اساس یک نوع خوانش بوده‌است، تفاوت‌های گویشی بسیاری همچون: گویش فرارودی، گویش سیستانی و جز این، در ترجمه وجود دارد. این تفاوت در افعال، بسیار به چشم می‌آید و نشان دهنده وسعت زبان فارسی است؛ برای مثال: آمرزش خهست / آمرزش خواست (یاحقی، ۱۳۷۷، ج ۵: ۱۹۸۵).

هرگاه واژه‌های ساده فارسی، معنی‌رسان نبوده‌است، مترجمان از واژه‌های پیوندی یا ترکیبی استفاده می‌کرده‌اند. از این روی بسیاری از برابره‌های فارسی واژگان قرآنی، واژه‌های وندی، مرکب و عبارت‌های فعلی هستند.

یک‌دسته از واژگان قابل بررسی در فرهنگنامه قرآنی، افعال و مصادر فارسی هستند. گوناگونی و فراوانی این افعال از دیدگاه ساختار، زمان، وجه و ویژگی‌های دیگر قابل

توجه است. از میان ویژگی‌های فعل، بررسی ساختمان افعال فارسی در پنج حیطهٔ افعال بسیط، پیشوندی، مرکب، مرکب پیشوندی و عبارت فعلی، این امکان را فراهم می‌کند تا پژوهشگر سیر تحول این افعال را از دورهٔ آغازین زبان فارسی تا امروز تحلیل کند و به نتایج تازه‌ای دست یابد.

یکی از انواع افعال فارسی از جهت ساختمان، فعل پیشوندی است. پیشوندها و پیش واژک‌های فعلی از دورهٔ فارسی باستان تا امروز در زبان فارسی رواج داشته‌اند؛ سپس بعضی از آنها متروک شده، بعضی، با کاربرد کمتری هنوز زنده‌اند و بعضی نیز در فارسی امروز همچنان به صورت پویا به حیات خود ادامه داده‌اند.

گونگونگی افعالی که در فرهنگنامه در برابر هر واژهٔ قرآنی به کار رفته است، نشان دهندهٔ ظرفیت بالای زبان فارسی برای واژه‌سازی است. این فراوانی اگرچه در افعال پیشوندی فارسی دری نسبت به دوره‌های پیشین چشمگیر نیست - جز چند مورد که متروک شده‌اند - باز هم نشان‌دهندهٔ کاربرد تعداد بی‌شماری از پیشوندهای فعلی در فارسی دری است.

جز پیشوند که به آغاز فعل افزوده می‌شود، در ابتدای بعضی از ساخت‌های فعل جزء دیگری به کار رفته است که به آن جزء پیشین می‌گویند. احمدی گیوی این جزء صرفی را پیش‌واژک نامیده است (احمدی گیوی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۶۳).

پیش‌واژک‌ها نیز از دورهٔ باستان رواج داشته و به تدریج به فارسی میانه و دری راه یافته‌اند. وندهایی چون: «فراز، فرو، فرود، فرا، بر، اندر، در، وا، باز، پس، پیش» در گروه پیشوندهای فعلی قرار می‌گیرند. وندهایی چون «ب، همی، می، م، نا» پیش‌واژک هستند. در این میان «ب» هرگاه در معنای فعل تغییر ایجاد کند، پیشوند است؛ در غیر این صورت پیش‌واژک فعلی به شمار می‌آید.

این مقاله با توجه به مجموعهٔ گسترده‌ای از افعال که در فرهنگنامهٔ قرآنی در اختیار داشته است، می‌کوشد تا نشان دهد افعال فارسی تا چه حد ظرفیت زبایی و گسترش داشته‌اند و از آغاز تا امروز روند تکوین و تحول آنها از نظر ساختمان فعل پیشوندی و کاربرد پیشوندها و پیش‌واژک‌های فعلی چگونه بوده است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

پیشینه بنیادی این پژوهش را می‌توانیم در مطالعات زبان‌شناسی و دستور زبان فارسی، بویژه دو کتاب «دستور تاریخی زبان فارسی» نوشته پرویز ناتل خانلری و «دستور تاریخی فعل» نوشته احمدی گیوی جست‌وجو کنیم. این مطالعات، آغاز شکل‌گیری «وندها» و سیر دگرگونی آنها را در دوره‌های مختلف از فارسی باستان، فارسی میانه (پهلوی) و فارسی دری نشان می‌دهد. اساس این پژوهش بر یافته‌های زبان‌شناسی و دستور تاریخی بر روی پیشوندها و پیش‌واژک‌های فعلی قرار دارد و به طور ویژه با ارجاع به پژوهش‌هایی که تا کنون در این زمینه صورت گرفته‌است، روند تاریخی تغییر و تحول فعل‌های پیشوندی را بر مبنای «فرهنگنامه قرآنی» تجزیه و تحلیل می‌کند.

- اصغر ارشاد سرابی (۱۳۷۳) در مقاله «گشت و گذار در گلگشت دیرینه سال فرهنگنامه قرآنی»، یکی از ویژگی‌های بارز بیشتر متون کهن فارسی - از قرن‌های چهارم تا هفتم را به رغم رواج عربی‌دانی - سادگی و پیراستگی می‌داند و معتقد است شناخت این برگردانیده‌ها و ارزیابی همه جانبه ویژگی‌های گونه‌گونه آنها از دیدگاه‌های مختلف همچون: متن‌شناسی، نسخه‌شناسی، خط و نگارش، واژه‌شناسی، لهجه‌شناسی، زبان‌شناسی و دستور تاریخی بایسته است.

- عمده‌ترین هدف محمدجعفر یاحقی (۱۳۷۷) از تهیه و تنظیم «فرهنگنامه قرآنی، فرهنگ برابره‌های فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخه خطی کهن»، گردآوری و دسته‌بندی معانی پارسی و واژه‌ها و ترکیباتی بوده‌است که قرآن‌های خطی و کهن کتابخانه آستان قدس رضوی از گذشته‌های دور در سینه خویش محفوظ نگه داشته و تا امروز از دسترس پژوهندگان و مشتاقان زبان و ادب فارسی، فرهنگ‌نویسان و فرهنگ‌های موجود به دور بوده‌است.

- حمید طاهری (۱۳۸۶) در مقاله «بررسی تحلیلی و تاریخی فعل‌های پیشوندی در زبان فارسی»، به بررسی سیر تحول افعال پیشوندی از دوره باستان تا امروز پرداخته است. نویسنده در این پژوهش پیشوند فعل را از جهت مفهوم و کارکرد بررسی

کرده و برای آن سه کارکرد «جهت و حرکت»، «تقویت و تأکید» و «وقوع فعل و تغییر در معنای فعل» را در نظر گرفته است.

- محرم رضایتی کیشه‌خاله و مهدی دیان (۱۳۸۸) در مقاله «فعل‌های پیشوندی در آثار منشور فارسی از آغاز تا پایان قرن پنجم»، نخست به پیشوندهای فعلی و انواع آن در ایرانی باستان و میانه پرداخته و سپس با مطالعه متون منشور قرن‌های چهارم و پنجم هجری، علاوه بر استخراج پیشوندهای فعلی این دوره، درباره سابقه، معنی و جایگاه آنها بحث کرده است.

باتوجه به اینکه فرهنگنامه قرآنی، مجموعه‌ای گسترده از واژگان اصیل، بویژه افعال فارسی است، در کنار پژوهش‌های ارزشمندی که تا کنون بر روی دوره‌های مختلف زبان فارسی صورت گرفته است، جای توجه به این کتاب و پژوهش بر روی آن در حوزه دستور زبان تاریخی، خالی است. تفاوت مقاله پیش رو با پژوهش‌های پیشین، بررسی حوزه گسترده‌ای از افعال پیشوندی زبان فارسی دری است که در برابر واژگان قرآنی به کار رفته‌اند و یا برای برگرداندن افعال قرآنی، در فارسی دری از قرن چهارم تا سیزدهم ساخته شده‌اند. در این جستار، مقایسه افعال پیشوندی فارسی دری، با این کارکرد گسترده در فرهنگنامه قرآنی، جایگاه پیشوندها و پیش‌واژک‌های فعلی را بهتر نشان می‌دهد.

۲. تعریف پیشوند فعلی (preverb)

با بررسی دیدگاه دستورنویسان در تعریف پیشوند فعلی، تقریباً در این نکته اتفاق نظر وجود دارد که پیشوند فعلی، عنصری غیرفعلی و اشتقاقی است که به آغاز فعل ساده افزوده می‌شود و در دوره‌های مختلف زبان فارسی بیشتر نقش تغییر معنا را برعهده داشته است. «وندهای اشتقاقی فعلی در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی نقش فعالی در ساخت واژه داشته و موجب می‌شده‌اند که فعل ساده با وندهای اشتقاقی در معانی گوناگونی به کار رود؛ مثال: گویش دری زردشتی: (تراشیدن مداد و غیره) sar-kartun؛ (پس کردن کار انجام شده) pe-kartun؛ (کردن، انجام دادن) kartun» (کلباسی، ۱۳۸۶: ۱۱).

«پیشوند فعلی، تکواژی است که بر سرشماری از فعل‌های فارسی، که فعل پیشوندی نام گرفته‌اند می‌آید؛ مانند: «وا» و «فرا» در «واداشتن» و «فراگرفتن». آنچه در این فعل‌ها پیشوند نامیده می‌شود، غالباً قیدی است که بر سر فعل می‌آید و در معنی آن تصرف می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۹۵: ذیل پیشوندهای فعلی).

۳. انواع پیشوندهای فعلی فارسی دری

در فارسی باستان پیشوندهای متعددی وجود داشته که به اسم و فعل اضافه می‌شده‌اند. خانلری در دستور تاریخی خود این پیشوندها را به دو دسته «پیشوندهای مُرده» و «پیشوندهای زنده» تقسیم می‌کند. از پیشوندهای مرده که در ساختمان فعل وجود داشته و در فارسی میانه و دری بی‌آنکه واژه جدیدی بسازد در فعل باقی مانده، می‌توان به پیشوند «ni=ن» اشاره کرد: «ن» در فعل «نوشتن»؛ و از پیشوندهای زنده می‌توان به «باز» اشاره کرد، که در فارسی میانه «abaz» بوده و در فارسی دری به صورت «باز» به کار رفته‌است (خانلری، ۱۳۹۲: ۱۵۳-۱۵۲).

۴. جایگاه پیشوندهای فعلی در فرهنگنامه قرآنی

در ترجمه افعال قرآنی، گوناگونی گویش‌ها، لهجه‌ها و گونه‌های زبان، همچنین دقت مترجمان در حفظ ساختار قرآن و پابندی به ارزش‌های زبان مادری، موجب شده‌است که برای هر فعل قرآنی تعداد زیادی برابر فارسی که از نظر ساختمان تنوع دارند، به کار رود. برای مثال در ترجمه فعل «أرکسوا» (نساء/۹۱)، بیست و شش برابر فارسی به کار رفته‌است؛ مانند: «واز گردانسته شدند»، «نگوسار کرده شود»، «اندر افتند»، «باز اندر افکندشان»، «بسر در آیند» و جز این (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۱۹-۱۱۸). این گوناگونی، بیانگر این است که مترجمان برای دقت در کار ترجمه، واژه‌های جدید می‌ساخته‌اند و این واژه‌سازی آنان را به ساخت افعال پیوندی و ترکیبی وامی داشته‌است.

در فرهنگنامه قرآنی با تعداد بی‌شماری از افعال پیشوندی سروکار داریم، که بار ترجمه افعال قرآنی را در سه کارکرد «جهت، حرکت، قید»، «تأیید و تقویت فعل» و «تغییر معنای فعل»، بر عهده دارند. پیشوندهای فعلی گاه به مرور زمان نقش تغییر معنا را از دست داده و

صرفاً برای نشان دادن مفهوم جهت، حرکت، قید و تنها برای تقویت فعل در ساختار افعال فارسی به جا مانده‌اند؛ مثال: در ترجمه فعل قرآنی «أرسلتم» (فصلت/۱۴) سه فعل فارسی آمده که هر سه در یک معنا به کار رفته‌اند. یکی از برابرها فعل پیشوندی «فرو فرستاده آمدید» است که در کنار برابره‌های دیگر «شما را فرستادند» و «فرستاده شدید شما» به کار رفته و پیشوند «فرو» هیچ تفاوت معنایی ایجاد نکرده است (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۱۶).

۵. انواع و کارکرد پیشوندهای فعلی در فرهنگنامه قرآنی

در این بخش، پیشوندهای فعلی فرهنگنامه قرآنی که گاه با تحولات آوایی از فارسی باستان به فارسی میانه و فارسی دری راه یافته و یا در برابر افعال قرآنی در دوره نخستین فارسی دری به تازگی ساخته شده‌اند، از نظر ریشه، کارکرد و معنی، تجزیه و تحلیل و فهرست می‌شوند.

۵-۱. اندر (an)dar

این پیشوند در فارسی باستان به صورت «a(n)tar» به معنی «در و مابین» به کار رفته است و حالت قیدی دارد. در پهلوی به صورت «andar» در حالت حرف اضافه، قید و پیشوند فعلی (هرن و هوبشمان، ۱۳۹۴: ذیل اندر) و در فارسی دری به صورت «اندر» و پیشوند فعل به کار رفته است. صورت مخفف آن «در» است که در کنار ساخت کهن، کاربرد داشته است.

نمونه پیشوند «اندر»:

- «لَا تَبْتَئُهُمْ» (اعراف/۱۷): اندر آیم (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵).

کارکرد پیشوند: پیشوند «اندر» در ترجمه این فعل قرآنی، نشان‌دهنده جهت است. در ترجمه آیه آمده است: «آنگاه از پیش و از پس و از چپ و از راست بر آنها می‌تازم» (اعراف/۱۷).

معادل‌های فعل: بیایم، هر آینه در آیم، آیم و... (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵).

- «فَأَتَابَكُمُ» (آل عمران/۱۵۳): اندر آورد (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۶).

کارکرد پیشوند: در این آیه «اندر آورد» در معنی «پاداش دادن و افزودن» به کار رفته و پیشوند «اندر» معنای جزء صرفی «آورد» را تغییر داده است.
معادل‌های فعل: پاداش دهد، بفرزد، بازآورد، پاداش کرد و... (همان).

۵-۲. در dar

این پیشوند مخفف «اندر» است که هم در ساختار کهن زبان فارسی کاربرد داشته و تغییر معنا ایجاد کرده و هم به صورت زنده در فارسی امروز به حیات خود ادامه داده است. در بعضی فعل‌ها نیز عنصری زایدنماست؛ مثل: درآموخت.
نمونه پیشوند «در»:

- «اُتُوا» (بقره/۱۸۹): درشوید، درآیید (یاحقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۸).

کارکرد پیشوند: پیشوند «در»، معنای فعل را به «وارد شدن» تغییر داده و به عنوان پیشوند قیدی به کار رفته است.

معادل‌های فعل: بیاید، بروی، درآیید (همان).

- «اُبْسَلُوا» (انعام/۷۰): درمانده‌اند (یاحقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۳).

کارکرد پیشوند: پیشوندی است زنده و پویا که فعل جدید ساخته است. این فعل در ساختار کهن و ساختار امروزی زبان فارسی کاربرد دارد. فعل «درمانده‌اند» در این آیه در کنار بیست و سه معادل دیگر به کار رفته است.

معادل‌های فعل: هلاک کرده شدند، گرو کرده شود، رها هلندشان، رها هشته باشندشان و... (همان).

۵-۳. پیشوند «ب» bi

هرن ریشه «ب» را به عنوان پیشوند فعلی در پهلوی «bē» می‌داند و می‌نویسد: «در دستور زبان فارسی، این «ب» را که بر سر افعال درمی‌آید، بای تأکید و زینت می‌نامند» (هرن و هوبشمان، ۱۳۹۴: ذیل ب). خانلری می‌نویسد: «اینکه «ب» را در ردیف پیشوند فعل آوردیم از آن روست که در بعضی فعل‌های فارسی مفهوم خاصی به کلمه می‌بخشد و آن را در معنی از فعل ساده متمایز می‌کند» (خانلری، ۱۳۹۲: ۴۵). بسامد «ب» در فرهنگنامه قرآنی بسیار زیاد است اما به عنوان پیشوند فعلی در جایگاه تغییر معنی فعل، کاربرد چندانی

ندارد و بیشتر به عنوان پیش‌واژ ک به کار رفته‌است.

نمونه پیشوند «ب»:

- «تَدَهَبَ» (انفال/۴۶): بشود، بَشُود (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۴۴۱).

فعل «شود» با پیشوند «ب» در ترجمه این فعل قرآنی به معنی «تمام شدن» است. در ترجمه آیه آمده‌است: «با یکدیگر به نزاع برمیخیزید که ناتوان شوید و مهابت و قوت شما برود» (انفال/۴۶).

معادل‌های فعل: برود، رود، ببرد (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۴۴۱).

۵-۴. پیشوند «بر» (bar)a

این پیشوند در فارسی باستان به صورت «upariy» و به معنی «بالا» و در حالت «قید» به کار رفته و در فارسی میانه به صورت «apar» کاربرد داشته‌است (هرن و هوبشمان، ۱۳۹۴: ذیل بر). پیشوند «بر» پس از گذراندن تحولات آوایی از فارسی باستان به فارسی میانه و سپس به فارسی نو راه یافته و از پیشوندهای کهن ساختار است که هنوز به صورت زنده همراه بعضی فعل‌ها کاربرد دارد.

نمونه پیشوند «بر»:

- «آتَر» (نازعات/۳۸): برگزیند، برگزیده است و... (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶).

کارکرد پیشوند: پیشوند «بر» در این فعل، نقش تقویت و تأکید فعل را برعهده دارد. معادل‌های فعل: بگزیند، گزید (همان).

- «أَتَوَكَّؤُا» (طه/۱۸): برچفسم (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۵).

کارکرد پیشوند: این فعل دچار تحولات آوایی شده‌است و «بر» در آن، حالت تقویت و تأکید بر فعل را برعهده دارد. فعل «برچفسم» به معنی «تکیه کنم» است. معادل‌های فعل: چسیم، تکیه زخم (همان).

۵-۵. پیشوند «ور» (war)

«ور» کاربرد چندانی به عنوان پیشوند فعل ندارد. خانلری به این پیشوند اشاره نکرده

است. فرشیدورد آن را صورت عامیانه «بر» و پیشوندی نیمه فعال در نظر گرفته است (فرشیدورد، ۱۳۸۶: ۱۲۷). «پیشوند «ور» در بعضی فعل‌ها به عنوان پیشوندی کهن ساختار به کار می‌رود. بعضی دستورنویسان، آن را جزء پیشوندهای زنده در نظر گرفته‌اند؛ مثل: ورفتن» (احمدی گیوی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۸۵۲).
نمونه پیشوند «ور»:

- «آثرک» (یوسف/۹۱): ورگزید (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶).

کارکرد پیشوند: صورت دیگر پیشوند «بر» است که برای تقویت و تأکید فعل به کار رفته است.

معادل‌های فعل: بگزید، برگزید، برگزید (همان).

- «ازگب» (هود/۴۲): ورنشین (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۱۸).

کارکرد پیشوند: صورت دیگر پیشوند «بر» است که در معنای فعل تغییر ایجاد کرده است. این فعل در معنی «سوار شدن» به کار می‌رود.
معادل‌های فعل: درنشین، برنشین، سوار شو، (همان).

۵-۶. پیشوند «(۱)با» (a)ba

هوبشمان به پیروی از مولر، این پیشوند را در فارسی باستان «upaka» دانسته که در فارسی میانه به صورت «apak» به کار رفته و در فارسی نو «(a)ba» و «ba» است (ر.ک: هرن و هوبشمان، ۱۳۹۴: ذیل با). این‌وند به عنوان پیشوند فعلی کاربرد زیادی در فرهنگنامه ندارد و در چند مورد همراه با پیشوند «پس» پیش از عنصر فعلی به کار رفته است.
نمونه پیشوند «(۱)با»:

- «أَجَلَّتْ» (مرسلات/۱۲): با پس داشته‌اید (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶۵).

کارکرد پیشوند: پیشوند «با» همراه با صورت دیگر آن «وا» در کنار پیشوند «پس» به کار رفته که ظاهراً در تغییر معنای فعل تأثیرگذار بوده و معنای فعل را به «نامزد شدن، در نظر گرفته شدن» تغییر داده است. در ترجمه آیه چنین آمده: «برای چه روزی معین شود؟» (مرسلات/۱۲).

معادل‌های فعل: زمان داده شدند، نام زد کرده‌است، فروهشتند، واپس گذاشته شدند و... (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶۵).

- «فَاسْتَعَصَمَ» (یوسف/۳۲): باپس ایستاد (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۳۲).

کارکرد پیشوند: «با» صورت دیگر «باز» است که معنای فعل را به «خویشتن داری و خود را نگاه داشتن» تغییر داده‌است. برای این فعل قرآنی بیست و دو برابر فارسی به کار رفته‌است.

معادل‌های فعل: خود را نگه داشت، بازاستاد خود را نیک نگاه داشت، خویشتن داری کرد، سر باز زد و... (همان).

۵-۷. پیشوند (۱) باز baz (a)

این پیشوند در فارسی باستان «apaka» در معنی «به عقب برگشته» و در فارسی میانه «apac» و در فارسی نو «abaz و baz» است. در مقام پیشوند فعلی به معنی «دوباره، از سر نو، بار دیگر» است (هرن و هوبشمان، ۱۳۹۴: ذیل باز). این پیشوند به صورت «واز» یا «وا» یا «فاز» هم به کار رفته و از پیشوندهای کهن ساختار است که به صورت زنده و پویا به حیات خود ادامه داده‌است (احمدی گیوی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۸۴۹). «باز» هم به عنوان پیشوند غیرفعلی و هم به عنوان پیشوند فعلی کاربرد دارد.

نمونه پیشوند «باز»:

- «أَوْوًا» (انفال/۷۲): باز گشتند (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۰).

کارکرد پیشوند: جایگاه فعل «باز گشتند» در ترجمه واژه قرآنی «أَوْوًا» در این آیه مشخص نیست و همخوانی چندانی با دیگر برابره‌های این فعل ندارد. در ترجمه آیه آمده است: «هم آنانکه جایشان داده‌اند و یاریشان کرده‌اند» (انفال/۷۲).

معادل‌های فعل: جای کردند، آرام گاه دادند، پناه و یاری دادند و... (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۰).

- «تَدْوَدَانٍ» (قصص/۲۳): باز داشتند (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۴۲۲-۴۲۱).

کارکرد پیشوند: فعل مورد نظر با پیشوند «باز» در معنی «خودداری کردن، مانع شدن» به کار رفته است. صورت‌های دیگر پیشوند «باز»، «می‌واز رانند» و «وا می‌رانند» نیز در این ترجمه آمده است. بیست و هفت برابر دیگر همراه فعل «بازداشتند» در برگردان فعل قرآنی «تَدُوْدَانِ» به کار رفته است. این پیشوند فعلی در فرهنگنامه بسامد زیادی دارد. معادل‌های فعل: گوسپند همی داشتند، همی باز داشتند، گوسفند می‌چرانیدند، بازپس می‌رانند و... (همان).

۵-۸. پیشوند «واز» waz

این پیشوند کهن ساختار که هنوز به صورت زنده کاربرد دارد، صورت دیگر «باز» است؛ «واز» به عنوان «پیشوند فعلی باز، بازپس» (هرن و هوبشمان، ۱۳۹۴: ذیل واز). این پیشوند در قرآن قدس بسامد زیادی دارد. نمونه پیشوند:

- «فَأَذْرُءُوا» (آل عمران/۱۶۸): واز کنید (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۹۷).

کارکرد پیشوند: فعل با پیشوند «واز» در معنای «دور کردن و بازداشتن» به کار رفته و باعث تغییر معنای فعل شده است. تنوع برابری دیگر فعل در ترجمه این فعل قرآنی قابل توجه است.

معادل‌های فعل: دور کنید، باز دارید، در گذارید، بیفکنید، دست باز دارید و... (همان).

- «فَأَرْجِعْنَا» (سجده/۱۲): واز هیل (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۱۲).

کارکرد پیشوند: این فعل پیشوندی، صورت دیگری از بازهل از هیلدن، هشتن، رها کردن، وا گذاشتن است و حالت تقویت و تأکید فعل را بر عهده دارد. معادل‌های فعل: باز گردان، بازپس فرست، برگردان (همان).

۵-۹. پیشوند «وا» wa

پیشوند «وا» صورت دیگری از پیشوند «باز و با» است که ظاهراً نشانه یکی از گویش‌های محلی است و به صورت زنده هنوز در بعضی از گویش‌ها به کار می‌رود (خانلری، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

نمونه پیشوند:

- «وَأَتُوا» (نساء/۲): وادهید، وادهی (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳).

کارکرد پیشوند: پیشوند «وا» معادل «با» است که بیانگر تفاوت در گویش است. این فعل با دو پیشوند دیگر «ب و فرا» نیز به کار رفته است و صرفاً نقش تقویت و تأکید فعل را بر عهده دارد. معادل‌های فعل: دهید، بدهیت، فرادهید.

- «أَخْصِرُوا» (بقره/۲۷۳): واداشتند ایشان را، واداشتند پنافته (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۷۳)

کارکرد پیشوند: «وا» معادل «باز» است. «پنافته» در این فعل به معنی «بازداشته و در بند» است. این فعل پیشوندی در معنای «خود را محصور کردن و بازداشتن» به کار رفته است. بیست و یک معادل فارسی برای این فعل قرآنی به کار رفته که اکثریت آنها پیشوندی هستند.

معادل‌های فعل: بشرده شدند، بازداشته شدند، باز گرفته شدند، در مانده‌اند، در نیافته باشند و... (همان).

۱۰-۵. پیشوند «پس» pas

این پیشوند در فارسی باستان «pasa» است و در فارسی میانه «pas» به معنی «عقب، پشت» به صورت «pasin» در معنی آخرین به کار رفته است (هرن و هوبشمان، ۱۳۹۴: ذیل پس). پیشوند «پس» گاه همراه با «وا» به صورت «وا - پس» «va-pas» با همان کارکرد «پس» به معنی «به عقب» به کار رفته است (کلباسی، ۱۳۸۶: ۴۷). کارکرد این پیشوند در فرهنگنامه قرآنی زیاد نیست.

نمونه پیشوند:

- «لَا تُنْعِ» (انعام/۵۶): پس نروم (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۱).

کارکرد پیشوند: پیشوند «پس» معنی این فعل را به «متابعت نکردن و دنباله‌روی نکردن» تغییر داده است و فعل مفهوم مجازی دارد.

معادل‌های فعل: بر پی نروم، نباشم فرمان بردار، بدم نروم، پس روی نمی‌کنم و... (همان).

- «أَخْرَجْتُ» (انفطار/۵): پس کرد، پس داشت، پس بازهشت، پس انداخت (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۸۵).

کارکرد پیشوند: پیشوند «پس» در این افعال و در ترجمه فعل قرآنی، مفهوم قیدی دارد و به معنای از پیش فرستادن است. این پیشوند در برخی معادل‌های دیگر به صورت «سپس» آمده است.

معادل‌های فعل: سپس فرستاد، بگذشته بود، سپس ماند، سپس فرستاد، باز گذاشت و... (همان).

۱۱-۵. پیشوند «پیش» piš

در فارسی باستان «patiš» به معنی «مقابل» است. در پهلوی «pat(i)š, pēš» است (هرن و هوبشمان، ۱۳۹۴: ذیل پیش). این پیشوند حالت قیدی دارد و به عنوان پیشوند فعلی در ترکیباتی چون: «پیش بردن، پیش رفتن و...» کاربرد دارد. نمونه پیشوند: «تَلَقَّاهُمْ» (انبیاء/۱۰۳): پیش آیند، پیش آمد (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۴۰۴). کارکرد پیشوند: «پیش» حالت قیدی دارد و فعل در معنای «به پیش‌باز آمدن» به کار رفته است.

معادل‌های فعل: پذیره آیند، پیش باز آیندشان، در برمی آیندگان و... (همان).

- «أَصَابَتْهُمْ» (نساء/۶۲): پیش آید (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۶۰).
- کارکرد پیشوند: فعل در معنای «رسیدن، اتفاق افتادن» به کار رفته است و مفهوم مجازی دارد.
- معادل‌های فعل: فراسد، فراز رسد، برساند، فرارسد (همان).

۱۲-۵. پیشوند «فا» fa

خانلری معتقد است که شاید این پیشوند صورت دیگری از پیشوندهای «باز، و» باشد (خانلری، ۱۳۹۲: ۱۵۵). این پیشوند کهن ساختار در زبان رسمی امروز کاربرد ندارد.

نمونه پیشوند:

- «أَخَذَ» (انفال/۷۰): فاستدند (یاحقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۸۰).

کارکرد پیشوند: پیشوند «فا» در این فعل برای تقویت و تأکید فعل به کار رفته است.

معادل‌های فعل: ستده شد، بستدند، بستاندند و... (همان).

- «أَصْطَرَّةٌ» (بقره/۱۲۶): فاپنایم، فاپنایم (یاحقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۷۲).

کارکرد پیشوند: «پنایمیدن» به معنی «دفع کردن و برگرداندن است» (حسن دوست،

۱۳۹۳: ذیل پنافتن). در فرهنگنامه نیز «بازداشتن و برگردانیدن» معنی شده است (یاحقی،

۱۳۷۷، ج ۱: ۱۷۲). پیشوند «فا» صرفاً برای تقویت و تأکید فعل به کار رفته است.

معادل‌های فعل: بیچاره کنم، نیازمند کنم، بناچار آرم، درمانده کنم، بیند خسانم و...

(همان).

با توجه به اینکه پیشوند «فا» در قرآن مترجم شماره ۱۰ در فرهنگنامه به نام «تفسیر

شَقَشِي» که مربوط به قرن پنجم است، بسامد بالایی دارد، شاید بیانگر گویش خاصی است

(همان، ج ۱: سی و شش).

۵-۱۳. پیشوند «فراز» faraz

در اوستایی «frank» به معنی «رو به جلو، متمایل به جلو» است. در فارسی میانه «frac»

و در فارسی دری «faraz» است (حسن دوست، ۱۳۹۳: ذیل فراز). «پیشوند «فراز» که مفهوم

«رو به پیش» را می‌رساند، از جزء «فرا» در زبان‌های ایرانی باستان که پسوند «-ač» (= «چ»)

نیز به آن ملحق می‌شده، آمده است» (خانلری، ۱۳۹۲: ۱۵۴). «فراز» در دوره نخستین فارسی

دری به عنوان پیشوند فعل کاربرد بسیار داشته است. این پیشوند فعلی جزء پیشوندهای کهن

ساختار زبان فارسی است.

نمونه پیشوند:

- «أَوَيْتَاهُمَا» (مؤمنون/۵۰): فراز آوردیم (یاحقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۱).

کارکرد پیشوند: پیشوند «فراز» معنای فعل را به «جای دادن» تغییر داده است.

معادل‌های فعل: جای کردیم، با پناه بردیم، باز آوردیم، بیند خشانیدیم و... (همان).

• «يَكْتُمُونَ» (آل عمران/۱۶۷): فراز پوشند (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۸۷۴).
کارکرد پیشوند: پیشوند بدون تغییر معنای فعل، صرفاً برای تقویت و تأکید این فعل به کار رفته است.

معادل‌های فعل: می‌پنهام کنند، پوشیده کنند، ایشان می‌پنهان دارند و... (همان). بیشتر فعل‌هایی که با پیشوند «فراز» در فرهنگنامه آمده‌اند مفهوم جهت و حرکت دارند؛ مثل: «آوردن، آمدن، رفتن».

۱۴-۵. پیشوند «فرا» fara

همان پیشوند «فراز» است مجرد از پسوند «-ač» و بیشتر بر سر فعل‌هایی که واک نخستین آنها صامت است درمی‌آید (خانلری، ۱۳۹۲: ۱۵۴). این پیشوند کهن ساختار هنوز به صورت زنده در فارسی امروز کاربرد دارد. بسامد «فرا» در فرهنگنامه زیاد است. نمونه پیشوند:

• «تَقْتَرِي» (اسراء/۷۳): فراسازی بدروغ (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۵۱۸).
کارکرد پیشوند: پیشوند «فرا» در این فعل جنبه تقویت و تأکید فعل را دارد.
معادل‌های فعل: درحینی، بیافی، بتابی دروغ، از خویشتن برسازی، بربندی و... (همان).
• «تَتَوَفِّيَنَّكَ» (مؤمن/۷۷): فراستانیم (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۴۸۲).
کارکرد پیشوند: فعل «فراستانیم» بدون اینکه پیشوند در آن تغییر معنا ایجاد کند، در معنای «میراندن و جان گرفتن» به کار رفته است.
معادل‌های فعل: بمیرانیم، جان بستانیم، جان برگیریم، بگیریم (همان).

۱۵-۵. پیشوند «فرو» forud

این پیشوند در فارسی باستان «fravata» به معنی «پایین و فرو» است در حالت قید. در پهلوی «frōt» است (هرن و هوبشمان، ۱۳۹۴: ذیل فرود).
نمونه پیشوند:

• «فَأَوَّاكُم» (انفال/۲۶): فرود آورد (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۰).

کارکرد پیشوند: این فعل پیشوندی در معنای «جای دادن و پناه دادن» به کار رفته است و پیشوند در آن حالت قیدی دارد.

معادل‌های فعل: نیرو کرد، پناه داد، پناه گرفت، و... (همان).

- «فَرَضَ» (قصص/۸۵): فرود کرد (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۱۱۰۲).

کارکرد پیشوند: «فرود» تفاوت معنایی ایجاد کرده است. فعل «فرود کرد» در معنی «فرستاد» به کار رفته است.

معادل‌های فعل: وارد شد، فرو فرستاد، بداد، بریده کرده و فرستاد و... (همان).

۱۶-۵. پیشوند «فرو» foru

به نظر خانلری «این پیشوند با حذف صامت آخر، صورت تخفیف یافته و تازه تری از «فرود» است و غالباً به فعل‌هایی که واك نخستین آنها صامت است، می‌پیوندد و از نظر ریشه و مفهوم با «فرود» یکسان است» (خانلری، ۱۳۹۲: ۱۵۴).
نمونه پیشوند:

- «أَبْلَعِي» (هود/۴۴): فرو بر (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۶).

کارکرد پیشوند: پیشوند «فرو» در معنای فعل تغییر ایجاد کرده است. این فعل در معنای «آشامیدن و خوردن و فرو بردن» به کار رفته است.

معادل‌های فعل: در چین، فرود خور، در کش، فروخوران، فرو بر (همان).

- «يَضَعُ» (اعراف/۱۵۷): فرو نهد، فرومی‌نهد، می‌نهد- فرومی‌گیرد، فرو نهند و... (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۸۰۶).

کارکرد پیشوند: «فرو» و پیشوندهای دیگری که بر سر فعل‌های معادل این فعل قرآنی آمده‌اند، نقش تقویت و تأکید فعل را بر عهده دارند.

معادل‌های فعل: می‌بنهد، می‌نهد، برمی‌دارد، سبک می‌گرداند و... (همان).

۶. فعل‌های دو پیشوندی در فرهنگنامه قرآنی

اگرچه در فارسی باستان، فعل‌های دو پیشوندی کاربرد داشته‌اند، در دوره مورد نظر

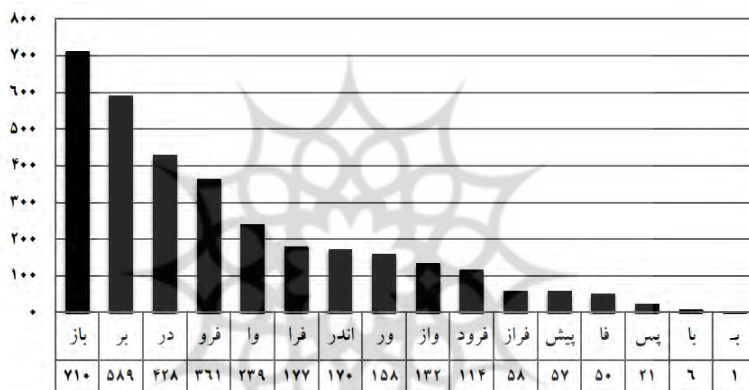
این جستار (قرن چهارم تا سیزدهم)، با تعداد اندکی از فعل‌های دو پیشوندی روبه‌رو هستیم. در فرهنگنامه قرآنی نیز کاربرد فعل‌های دو پیشوندی زیاد نیست؛ این‌گونه فعل‌ها با پیشوندهایی چون: «فا، فرا، وا، پس، پیش» به کار رفته‌اند. در جدول زیر نمونه‌های این مصادر و بسامد آنها در فرهنگنامه قرآنی آمده‌است:

مصادر دو پیشوندی	تعداد	مصادر دو پیشوندی	تعداد	مصادر دو پیشوندی	تعداد
پس اندر آوردن	۱	فرا پیش شدن	۲	وا پس دادن	۱
در بر افکندن	۱	فرا پیش فرستادن	۱	وا پس داشتن	۲
فا و افکندن	۱	فرا پیش کردن	۱	وا پس کردن	۱
فا و گردانیدن	۱	وا برداشتن	۱	وا پس گذاشتن	۱
فا و انگشتن / گردیدن	۲	وا پس استادن	۱	وا پس ماندن	۲
فرا پیش افکندن	۱	وا پس افتادن	۲	وا پس نهادن	۱
فرا پیش بردن	۱	وا پس افکندن	۱	وا پیش بردن	۲
فرا پیش دادن	۱	وا پس انداختن	۳	وا در گفتن	۱
فرا پیش داشتن	۴	وا پس ایستادن	۱	وا فر آویختن	۱
فرا پیش رفتن	۳	-	-	-	-

۷. ویژگی فعل‌های پیشوندی در فرهنگنامه قرآنی

۱. کاربرد فعل با چند پیشوند در ترجمه‌های مختلف یک فعل قرآنی؛ مانند: «اَزْكَبَ» (هود/۴۲): درنشین، برنشین، ورنشین، اندر نشین (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۱۸).
۲. کاربرد چند فعل پیشوندی برای یک فعل قرآنی؛ مانند: «آوَى» (یوسف/۹۹): واگردید، فراز کشید، اندر گرفت، بازگشتند، فراکشید (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۰).
۳. آوردن هم‌زمان دو فعل پیشوندی در کنار هم در یک ترجمه؛ مانند: «تَعْقِلُونَ» (بقره/۲۴۲): برافتید دریابید (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۵۰۴).
۴. کاربرد یک فعل با دو پیشوند در یک ترجمه؛ «فَأَخْلَفْتُكُمْ» (ابراهیم/۲۲): واپس انداختیم (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۹۲).

۵. فاصله افتادن بین پیش‌واژک «می» با عنصر فعلی به وسیله پیشوند: «أَحْمِلُ» (یوسف/۳۶) می‌ورداشتم (یاحقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۷۶).
۶. کاربرد یک فعل پیشوندی با یک فعل مرکب در ترجمه یک فعل قرآنی؛ «أَوِي» (هود/۸۰): باز آیم و جای گیرم (یاحقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۱).
۷. گوناگونی تحولات آوایی افعال پیشوندی در ترجمه یک فعل قرآنی؛ مانند: «اجْبِيئَهُمْ» (انعام/۸۷): ورزیدیم، ورگزیدیم، برگزیدیم ما (یاحقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶۱).



نمودار بسامد پیشوندهای فعلی در فرهنگنامه قرآنی

۸. تعریف پیش‌واژک‌های فعلی

در ساختمان فعل به جز پیشوندهای فعلی، جزء دیگری به عنصر فعلی اضافه می‌شود که به آن «وند تصریفی» یا «پیش‌واژک» می‌گویند. «پیش‌واژک‌های فعلی را «پیشوند تصریفی» می‌نامند که ناظر بر تغییراتی همچون: نشان دادن شمار، زمان، شخص و وجه هستند. اغلب زبان‌های هند و اروپایی فاقد «پیشوند تصریفی» هستند» (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۱۴۸ و ۱۶۶).

در فارسی امروز سه پیش‌واژک «با»، «نا» و «می» بر سر فعل می‌آیند. در حالی که در فارسی قدیم به جز این سه پیش‌واژک، چند جزء صرفی دیگر نیز کاربرد داشته‌اند که به مرور زمان از زبان حذف شده‌اند؛ مثل: «فا، مَ، نا، نی، وا، ها، همی». بعضی دستورنویسان «فا» و «وا» را پیشوند فعلی در نظر گرفته‌اند.

۹. پیش‌واژک‌های فعلی در فرهنگنامه قرآنی

پیش‌واژک‌های فعلی که در وجوه و زمان‌ها و صیغه‌های مختلف افعال کاربرد دارند، یا به مرور از چرخه زبان حذف شده‌اند؛ مثل: «ها» و یا با تحولات آوایی روبه‌رو شده‌اند؛ مثل: «ن، نی» و یا با همان صورت گذشته خود به زبان فارسی امروز راه یافته‌اند؛ مثل: «م». در فرهنگنامه قرآنی افعال بی‌شماری با پیش‌واژک‌های فعلی به کار رفته‌اند. این اجزاء صرفی عبارتند از: «ب م ن نا، می، ها، همی». بعضی از این اجزاء مثل «ها»، مربوط به گویش خاصی از زبان فارسی هستند و در همه حوزه‌های جغرافیایی زبان فارسی کاربرد نداشته‌اند. از میان پیش‌واژک‌ها، فراوانی «ب» بیش از دیگر اجزاء صرفی فعل است. این جزء صرفی چنانچه تفاوت معنایی ایجاد کند، پیشوند فعلی است.

۱۰. انواع و کارکرد پیش‌واژک‌های فعلی در فرهنگنامه قرآنی

این بخش از جستار پیش‌رو به برشمردن انواع و کارکرد پیش‌واژک‌های فعلی که در ترجمه افعال قرآنی در خدمت زبان فارسی بوده‌اند، می‌پردازد.

۱-۱۰. پیش‌واژک «ب» be, bē

در فارسی دری دوره نخستین، «ب» جزء صرفی است که بر سر صیغه‌های فعل مضارع اخباری و التزامی و فعل‌های ماضی و امری درمی‌آید. این پیش‌واژک در فارسی امروز نشانه مضارع التزامی و وجه امری است (ر.ک: خانلری، ۱۳۹۲: ۴۵).

باتوجه به تفاوت دیدگاه دستوریان درباره پیش‌واژک «ب»، خانلری معتقد است: «هیچ یک از اجزاء گفتار بیهوده و تنها برای آرایش لفظ به کار نمی‌رود» (همان: ۷۹). احمدی گیوی نیز بر آن است که: «این «ب» نه همه جا نقش زینت دارد، نه تأکید، بلکه رسم نویسندگان و گویندگان بوده است که «با» را بر سر فعل می‌آورده‌اند» (احمدی گیوی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۶۴). بسامد پیش‌واژک فعلی «ب» در فرهنگنامه زیاد است و تقریباً بیشتر فعل‌ها با این جزء صرفی به کار رفته‌اند که به عنوان مثال چند نمونه ذکر می‌شود.

نمونه‌های پیش‌واژک «ب»:

- «آتاکم» (مائده/۲۰): بداد (باحقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲).

کارکرد پیش‌واژك: این «ب» بر سر فعل ماضی، سوم شخص مفرد آمده و معادل فارسی دیگری همراه این فعل نیامده است.

- «لَا مَرْنَهُمْ» (نساء/۱۱۹): بفرمایم، هرآینه بفرمایم (یاحقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۳).

کارکرد پیش‌واژك: «ب» بر سر فعل مضارع التزامی درآمده است ولی مفهوم فعل بیانگر فعل آینده است.

معادل‌های فعل: فرمایم هر آینه هر آینه، خواهیم فرمود (همان).

- «فَصَّرَفَ» (یوسف/۳۴): بگردانست، بگردانید، بگردانید (یاحقی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۹۲۹).

کارکرد پیش‌واژك: فعل «بگردانست» صورت ویژه‌ای از فعل ماضی و مربوط به «قرآن قدس» است - که متعلق به نیمه دوم قرن پنجم و از کهن‌ترین قرآن‌های خطی است - و گویش خاص آن نزدیک به فارسی میانه است (رواقی، ۱۳۶۲: ۶-۳). پیش‌واژك «ب» بر سر فعل ماضی تام درآمده است و در معادل‌های دیگر نیز همین کارکرد را دارد. معادل‌های فعل: باز گردانید، بگردانید (همان).

۱۰-۲. پیش‌واژك «مَ» ma

این پیش‌واژك در فارسی باستان «ma» «علامت نهی = نَ»، است و در تحول بدل به همتای خود یعنی «ن» شده است (باقری، ۱۳۸۰: ۲۵۹). خانلری «مَ» را نشانه نهی در همه آثار این دوره می‌داند که در همه ساخت‌های فعل بر سر ماده فعل درمی‌آید؛ مثال: نهی با فعل ساده: مرو/ نهی با فعل پیشوندی: بازمگرد (خانلری، ۱۳۹۲: ۱۰۹-۱۰۸). نمونه «مَ»:

- «وَأَنْقُوا» (بقره/۲۲۳): از خدای بترسید و ستیزه مکنید و بژر مجوید (یاحقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۲).

کارکرد پیش‌واژك: «مَ» پیش‌واژك کهن ساختاری است که بر سر فعل امر درآمده و آن را منفی کرده است.

معادل فعل: بپرهیزید (همان).

- «لَا تَعَاوَنُوا» (مائده/۲): یار م باشید یک دگر را، یار م باشید، مه کنید، یاری م دهید

یک دگر را (یاحقی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۴۹۶).

کارکرد پیش‌واژک: پیش‌واژک «مَ» با همان کارکرد فعل نهی به صورت‌های گوناگون در ترجمه این فعل قرآنی استفاده شده‌است. در بعضی معادل‌های فارسی «مَ» بدون چسبیدن به فعل به کار رفته‌است. در نثر قدیم کاربرد جدای «مَ» از فعل تداول داشته‌است. در بعضی از معادل‌های این فعل قرآنی، فعل نهی بر دیگر ارکان جمله مقدم شده‌است. بیست و دو برابر فارسی برای «لَا تَعَاوَنُوا» به کار رفته‌است. معادل‌های فعل: نگرید یاری نه کنید یک‌دیگر را، مکن یاری یک‌دیگر را، مه یاری کنید و... (همان).

۱۰-۳. پیش‌واژک «نَ» ná

این پیش‌واژک در فارسی باستان «naiy» آمده‌است. از این صورت در فارسی «نه = na» و صورت کهن تر آن «نی = nē» به وجود آمده‌است (هرن و هوبشمان، ۱۳۹۴: ذیل ن). خانلری می‌نویسد: «از قید naiy کلمات «نه» و «نی» در فارسی دری مانده که هم در جزء صرفی فعل منفی به کار می‌رود (نبود - نیست) و هم به صورت قید نفی (نه، نی)؛ هم به صورت پیشوند در ساختمان کلمه» (خانلری، ۱۳۹۲: ۱۹۴). در فرهنگنامه قرآنی، این پیش‌واژک در همه وجوه فعل، با تفاوت‌های گویشی و گاه در ساخت‌های بسیار کهن به کار رفته‌است. نمونه پیش‌واژک:

- «لَا يَتَدَبَّرُونَ» (نساء/۸۲): بنحاینند، اندیشه نمی‌کنیت، اندیشه می‌نکنند و نه اندیشند (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۶۶۴).

کارکرد پیش‌واژک: فعل «بنحاینند» فعل مهجوری است از مصدر «حناییدن» به معنی «اندیشیدن، فکر کردن» که در قرآن قدس، بارها به کار رفته‌است (رواقی، ۱۳۸۱: ۱۳۷). این فعل، مضارع اخباری است که «ب» به جای «می» بر سر آن نشسته و با «ن» منفی شده‌است. صورت‌های دیگر فعل گاه در صیغه دوم شخص و گاه در صیغه سوم شخص با «نه» منفی شده‌اند. فعل مرکب «اندیشه نمی‌کنید» و فعل پیشوندی «اندر نیندیشید»، ساخت‌های دیگر این برابر نهاد فارسی هستند. در فعل «اندر نیندیشید»، نون نفی بر سر فعل «اندیشیدن» درآمده که آغاز آن همزه است. در ساخت‌های دیگر این ترجمه‌ها «اندیشه می‌نکنند و نه

اندیشند» دو فعل در یک ترجمه در کنار هم قرار گرفته‌اند که در یکی «نا» بین «می» مضارع اخباری و عنصر فعلی فاصله انداخته و در «نه اندیشند»، «نا» جدا به کار رفته است. معادل‌های فعل: نکنند اندیشه، یکی ننگرند، همی نه اندیشه کنند (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۶۶۴).

۱۰-۴. پیش‌واژک «ها»

این پیش‌واژک در بعضی از متون، معادل جزء پیشین «ب» است و به جای حرف اضافه «به» نیز به کار می‌رود و ظاهراً یک تلفظ محلی است (خانلری، ۱۳۹۲: ۱۵۵). «این پیشوند غیرفعال هنوز در بعضی از نواحی قومس و ری، سمنان، دامغان، شمیران و مازندران زنده است و بر سر فعل می‌آید و ظاهراً آن را تأکید می‌کند» (فرشیدورد، ۱۳۹۲: ۲۸۷). نمونه پیش‌واژک:

- «آب» (اسراء/۲۶): هاده (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱).

کارکرد پیش‌واژک: «ها» به جای «ب» در ابتدای فعل امر به کار رفته و در لهجه قدیم ری کاربرد داشته است. معادل فعل: بدهیت (همان).

- «يَمْسُهُمْ» (انعام/۴۹): هارسدها (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۸۹۵).

کارکرد پیش‌واژک: کاربرد پیش‌واژک «ها» هم پیش از فعل و هم پس از آن، ظاهراً نقش تأکید بیش از حد فعل را بر عهده دارد. فعل «هارسدها» در زمان آینده و با ساخت مضارع التزامی به کار رفته است.

معادل‌های فعل: برسد، بساود، بگیرد، بساد (همان).

۱۰-۵. پیش‌واژک «همی» hamē

از فارسی باستان «hamaiy» است. در پهلوی به صورت «hamai» و «hamē» آمده و معنی بنیادی آن «همیشه» است. صورت تخفیف یافته این پیش‌واژک، «می» (mē) است که در شاهنامه و متون بازمانده از قرن چهارم نسبت به «همی» بسیار کمتر به کار رفته است (هرن و هوبشمان، ۱۳۹۴: ذیل همی). در فارسی دری، «ماضی استمراری» و «مضارع اخباری» به کمک پیش‌واژک «همی/می» بیان می‌شود. «در دوره آغازین فارسی دری «همی» همچون دوره پهلوی استقلال

داشته است، به همین دلیل گاه با اسم، یا پیش از فعل، گاه با فاصله یک یا چند کلمه پیش از فعل، و گاهی بی‌فاصله یا با فاصله پس از فعل آمده‌است» (خانلری، ۱۳۹۲: ۸۵).

در دوره اول فارسی دری، گاهی همراه با «همی/می» پسوند فعلی «ای» نیز به فعل اضافه می‌شده‌است. در دستور پنج استاد این «یاء» یاء مجهول نامیده شده که در اصل مانند کسره تلفظ می‌شده‌است که در وجوه مختلف افعال به آخر فعل ملحق می‌شود و به جای «می و همی» و یا همراه با این دو جزء صرفی آمده و معنی استمرار به فعل می‌دهد (قریب و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۱). در فرهنگنامه قرآنی افعال بی‌شماری با دو جزء صرفی «همی/می» به صورت‌های گوناگون به کار رفته‌اند.

نمونه پیش‌واژک:

- «ابْتَعَى» (معارج/۳۱): همی بجوید (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۱).

کارکرد پیش‌واژک: «همی» بر سر فعلی با ساختار مضارع التزامی آمده که در اصل فعل ماضی بوده‌است. «در جمله‌ای شرطی که متضمن حکمی کلی باشد، ترجمه فعل ماضی به صورت مضارع رواست و عمومیت دارد». در ترجمه آیه آمده‌است: «آنان که جز این را بطلبند، متجاوزان هستند» (معارج/۳۱).

معادل فعل: می‌جوید (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۱).

- «فَأَرْقَبُ» (دخان/۱۰): چشم همی دار (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۱۱)

کارکرد پیش‌واژک: کاربرد «همی» بر سر فعل امر در معنای کنایی مراقب باش. معادل‌های فعل: برمرگیر، گوش‌دار، پاس‌دار، چشم‌بدار، چشم‌میدار و... (همان).

۱۰-۶. پیش‌واژک «می» mē

ریشه «می» نیز در فارسی باستان «hamaiy» و در پهلوی «hamai» و «hamē» است که به «می» تخفیف یافته‌است و همان کاربرد «همی» را دارد (هرن و هوبشمان، ۱۳۹۴: ذیل همی). «این پیش‌واژک در فارسی امروز معمولاً بر سر صیغه‌های ماضی استمراری، ماضی نقلی مستمر، ماضی مستمر و مضارع می‌آید؛ ولی در آثار گذشتگان بر سر مضارع التزامی

و ساخت‌های مستمر و ماضی بعید و ماضی التزامی و امر می آمده‌است» (احمدی گیوی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۷۴). در فرهنگنامه قرآنی «می» تقریباً با همان کارکردهای صورت کهن خود «همی» کاربرد دارد.

نمونه پیش‌واژک:

- «آتیناً» (سجده/۱۳): بدادیمی، بدادمی ما (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵).

کارکرد پیش‌واژک: «این دو صورت فعل ماضی استمراری - که «می» بر سر آنها نشسته است - گونه‌ای فعل شرطی هستند که در متون قدیم به کار رفته‌اند» (همان).
معادل‌های فعل: دهیم، بدادمانی (همان).

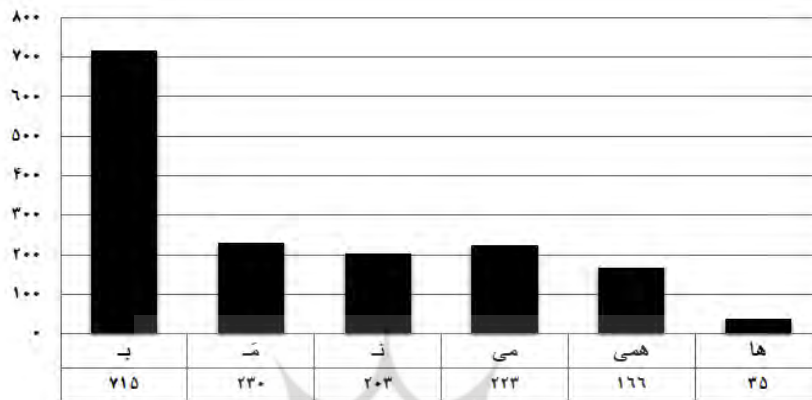
- «یَعْمَهُونَ» (مؤمنون / ۷۵): می‌هکوی شدندی (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۸۳۸).

کارکرد پیش‌واژک: آوردن «می» بر سر فعلی ربطی همراه با «ی» در آخر فعل و جدا افتادن «می» از عنصر فعلی به وسیله «مسند»: می + مسند + عنصر فعلی شدند + ی.
معادل‌های فعل: سرگشته می‌شدندی، بر کوری می‌رفتند، سرزده می‌گردند (همان).

۱۱. ویژگی‌های کاربرد پیش‌واژک‌های فعلی در فرهنگنامه قرآنی

۱. کاربرد برابره‌های فارسی با چند پیش‌واژک فعلی برای یک فعل قرآنی؛
مانند: «تَرَهَّقُهَا» (عبس/۴۱): برسد، می‌برسد (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۴۵۵).
۲. کاربرد فعل با دو پیش‌واژک؛ مانند: «تَوَوَّرُونَ» (اعلیٰ/۱۶): همی‌بگزینند (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۷۸).
۳. فاصله افتادن میان پیش‌واژک و عنصر فعلی؛ مانند: «أَتَّبِعُ» (اعراف/۲۰۳): می‌پس‌روی کنم (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۱).
۴. کاربرد یک فعل، هم با پیشوند، هم با پیش‌واژک در ترجمه‌های مختلف یک فعل قرآنی؛ مانند: «فَادُّعُوا» (نساء/۶): بدهیت، فرادهید، وادهید، هادهید، بازدهید (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۹۹).

۵. کاربرد یک پیش‌واژک در آغاز فعل و یک پیش‌واژک پس از فعل؛ مانند: «آئینا» (سجده/۱۳): بدادیمی (یا حقی، ۱۳۷۷، ج ۵: ۵).



نمودار فراوانی پیش‌واژک‌های فعلی در فرهنگنامه قرآنی

نتیجه

مطالعه و تجزیه و تحلیل فرهنگنامه قرآنی، نخستین فرهنگی که با حجم گسترده‌ای از واژگان زبان فارسی دری از قرن چهارم تا سیزدهم برای ترجمه واژگان قرآنی فراهم آمده است، در بردارنده فهرست گسترده‌ای از کاربرد انواع پیشوندها و پیش‌واژک‌های فعلی است که نشان می‌دهد زبان فارسی در دوره رشد و تکوین، چه امکانات گسترده‌ای را برای واژه‌سازی به وسیله این عناصر اشتقاقی و تصریفی در اختیار داشته‌است. با بررسی نمونه‌های گوناگون افعال در این فرهنگ، شاهد غلبه افعال پیشوندی بر افعال ساده، مرکب، عبارات کنایی و عبارت‌های فعلی هستیم. مجموعه‌ای که از کارکرد پیشوندها و پیش‌واژک‌های فعلی فارسی دری در این جستار آمده‌است، می‌تواند به صورت‌های فراموش شده افعال توانایی بازگشت دوباره به چرخه زبان را بدهد. اعتماد به متون کهن و ترجمه‌های اصیل و سره قرآن، قدرت این زبان استوار را برای غنی شدن، زایایی و پویایی افزایش می‌دهد.

در فرهنگنامه قرآنی، ۲۰۴ فعل بسیط پیشوندپذیر آمده‌است که با پیشوندهای گوناگون به کار رفته‌اند. گاه در ترجمه یک فعل قرآنی، سی نمونه برابر فارسی به کار رفته است که اکثر آنها افعال پیشوندی هستند و یا در برگردان یک فعل قرآنی مثل: «احاط» فعل ساده «رسید» با پیشوندهای گوناگونی چون: «فرا، اندر، در، وا» به کار رفته‌است. مصادری همچون: «آمدن، آوردن، داشتن، شدن، کردن و گرفتن» به جز چند مورد اندک، با تمام پیشوندهای فعلی به کار رفته‌اند. نمونه دیگر از افعال پیشوندپذیر در فرهنگنامه، ساخت‌های کهن و مهجور است؛ چون: «آزیدن، آغالیدن، آماسیدن، افروندن، افلاجیدن، اوارستن، بارندیدن، بشخیدن، پنامیدن، دامیدن، سکیزیدن، هلیدن» که از بعضی از آنها در واژه نامه‌های دیگر نشانی نیست. در این فرهنگ، ۲۸ فعل دو پیشوندی وجود دارد که ۴۱ بار به کار رفته‌اند و اگرچه تعداد آنها نسبت به فعل‌های یک پیشوندی زیاد نیست، باز هم بیانگر فراوانی افعال پیشوندی نسبت به ساخت‌های دیگر فعل است.

بررسی فرهنگ پیش رو نشان داد که به جز ضرورت واژه‌سازی برای ترجمه قرآن،

عامل دیگر که به قوت نظام واژگان زبان فارسی کمک کرده، وسعت حوزه جغرافیایی زبان فارسی بویژه در منطقه شرق ایران بوده است. تنوع گونه‌ها، گویش‌ها، لهجه‌ها و تحولات آوایی آنها، تأثیر شگرفی بر تحول واژگانی و دستوری زبان فارسی دری داشته است. این تنوع، پیشوندها و پیش‌واژک‌ها فعلی را نیز در بر می‌گیرد؛ برای مثال پیشوندهایی چون: «بر، با، باز، در» صورت‌های تازه‌تری از پیشوندهای قدیمی‌تر «اندر، فا، فر، وا، واز، ور» هستند و در فرهنگنامه نیز به شکل‌های گوناگون بر سر افعال بسیط نشسته‌اند. در میان این پیشوندها، «باز» بیشترین بسامد را دارد. پیش‌واژک «ب» - که برخی دستوریان آن را باء زینت نامیده‌اند - و «ها» نیز نشانه کاربرد گویشی خاص در بعضی مناطق ایران هستند. در میان پیش‌واژک‌ها «ب» با بیشترین فراوانی در فرهنگنامه به کار رفته است. تفاوت این فرهنگ با آثار یا واژه‌نامه‌های دیگر این است که این اثر طیف وسیعی از گونه‌های اصیل و متنوع فعل را در ساخت‌های گوناگون ارائه می‌دهد که حدوداً ۷۰ درصد آنها پیشوندی است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم. (۱۳۸۸). ترجمه عبدالحمید آیتی.
- احمدی گیوی، حسن. (۱۳۸۰). **دستور تاریخی فعل**. ۲ جلد. تهران: قطره.
- ارشادسرابی، اصغر. (۱۳۷۳). «گشت و گذار در گلگشت دیرینه سال فرهنگنامه قرآنی». **مجله آینه پژوهش**. شماره ۲۶. صص: ۲۰-۳۵.
- باقری، مه‌ری. (۱۳۸۰). **واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی**. تهران: قطره.
- حسن دوست، محمد. (۱۳۹۳). **فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی**. ۵ جلد. چاپ دوم. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و مهدی دیان. (۱۳۸۸). «فعل‌های پیشوندی در آثار منثور فارسی از آغاز تا پایان قرن پنجم». **ویژه نامه فرهنگستان (دستور)**. شماره ۵. صص: ۲۷-۵۰.
- رواقی، علی. (۱۳۶۲). **آشنایی با قرآن مترجم قدس، کهن‌ترین برگردان قرآن به فارسی**. چاپ اول. تهران: مؤسسه فرهنگی محمد رواقی.
- _____ (۱۳۸۱). **ذیل فرهنگ‌های فارسی**، با همکاری مریم میرشمسی. چاپ اول. تهران: هرمس.
- طاهری، حمید. (۱۳۸۶). «بررسی تحلیلی و تاریخی فعل‌های پیشوندی در زبان فارسی». **مجله نشر پژوهی ادب فارسی**. شماره ۲۱ (پیاپی ۱۸). صص: ۱۳۵-۱۱۳.
- طباطبایی، علاء‌الدین. (۱۳۹۵). **فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی**. تهران: فرهنگ معاصر.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۶). **فرهنگ پیشوندها و پسوندهای فارسی**. چاپ دوم. تهران: زوار.
- _____ (۱۳۹۲). **دستور مفصل امروز**. چاپ چهارم. تهران: سخن.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران. (۱۳۹۲). **دستور زبان فارسی (پنج استاد)**. به اهتمام جهانگیر منصور. چاپ ششم. تهران: ناهید.
- کلباسی، ایران. (۱۳۸۶). **وندهای اشتقاقی فعلی در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی و کاربرد آنها در واژه‌سازی**. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۹۲). **دستور تاریخی زبان فارسی**. به کوشش عفت مستشارنیا. چاپ هفتم. تهران: توس.
- هرن، پاول و هاینریش هوبشمان. (۱۳۹۴). **فرهنگ ریشه‌شناسی فارسی**. ترجمه همراه با گواه‌های فارسی و پهلوی از جلال خالقی مطلق. تهران: مهرافروز.

یا حقی، محمدجعفر. (۱۳۷۷). **فرهنگنامه قرآنی**. (فرهنگ برابرهای فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخه خطی کهن). ۵ جلد چاپ دوم. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

References

- Quran-e Karim. (2009). Abdolhamid Ayati (Trans). Tehran: Soroosh.
- Ahmadi Givi, H. (2001). *Dastoor-e Tarikhi-e Fe'l*. Vol. 1.2. Tehran: Ghatreh.
- Bagheri, M. (2001). *Vajshenasi-e Tarikhi-e Zaban-e Farsi*. 20th Edition. Tehran: Ghatreh.
- Ershad Sarabi, A. (1994). "Gasht-o Gozar dar Golgasht-e Dirineh Sal-e Farhangnameh-ye Qurani". *Aeineh Pazhoohesh*. No. 26. pp. 20-35.
- Farshidvard, Kh. (2013). *Farhang-e Pishvand ha va Pasvand-haye Farsi*. 2nd Edition. Tehran: Zavvar.
- _____. (2013). *Dastoor-e Mofassal-e Emrooz*. 4th Edition. Tehran: Sokhan.
- Gharib, A. & Digaran. (2013). *Dastoor Zaban-e Farsi (Panj Ostad)*. Jahangir Mansoor (Ed.). 6th Edition. Tehran: Nahid.
- Hassandoost, M. (2014). *Farhang-e Risheshshenakhti-ye Zaban-e Farsi*. Vol. 1.5. 2nd Edition. Tehran: Farhangestan-e Zaban va Adab-e Farsi.
- Horn, P. & Hubschmann, H. (2015). *Farhang-e Risheshshenasi-ye Farsi*. Jalal Khaleghi Motlagh. (Trans and Farsi & Pahlavi Evidences). Tehran: Mehrafrooz.
- Kalbasi, I. (2007). *Vand-haye Eshteghaghi-ye Fe'li dar Lahjehha va Gooyeshha-ye Irani va KARBORD-e ANHA dar Vazhehsazi*. Tehran: Farhangestan-e Zaban va Adab-e Farsi.
- Natel Khanlari, P. (2013). *Dastoor-e Tarikhi-ye Zaban-e Farsi*. Effat-e Mostasharnia (Ed). 8th Edition. Tehran: Toos.
- Revaghi, A. (1983). *Ashnaee ba Quran Motarjem Qods, Kohantarin Bargardan-e Quran be Farsi*. 1st Edition. Tehran: Mo'asseseh-ye Farhangi Muhammad Revaghi.
- _____. (2002). *Zeil-e Farhang-haye Farsi*. Ba Hamkari-ye Maryam Mirshamsi. 1st Edition. Tehran: Hermes.
- Rezayati kishekhale, M. & Dayyan, M. (2009). "Fe'l- haye Pishvandi dar Asar-e Mansoor-e Farsi az Aghaz ta Payan-e Qarn-e Panjom". *Vizhehnameh Nameh-ye Farhangestan (Dastoor)*. No. 5. pp. 27-50.
- Tabatabaei, A. (2016). *Farhang-e Toosifi-ye Dastoor Zaban-e Farsi*. Tehran: Farhang-e Mo'aser.
- Taheri, H. (2007). "Barrasi-ye Tahlili va Tarikhi-ye Fe'l-haye Pishvandi dar Zaban-e Farsi". *Nasrpazhoohi-ye Adab-e Farsi*. No. 21. (Consecutive: 18).
- Yahaghghi, M.J. (1998). *Farhangnameh-ye Qurani (Barabar-haye Farsi-ye Quran bar Asas-e 142 Noskheh-ye Khatti Kohan)*. Vol. 1.5. 2nd Edition. Astan-e Qods-e Razavi, Bonyad-e Pazhoohesh-haye Eslami.